

پایش آسیب های اجتماعی ناشی از مدرنیته و لزوم ظرفیت سازی فرهنگی جهت مقابله با آن

سعید آقاسی¹

رسول آقاداوود²

چکیده

به موازات پیشرفت و رشد شگفت انگیز جوامع در عصر مدرنیته در عرصه های مختلف علمی، فناوری ارتباطات، پزشکی و ... جوامع بشری با شوکهای جدید و چالشهای تازه ای مواجه گردیده که نشانه های بارز آن، تشدید استرس، اضطراب، فشارهای عصبی، فردگرایی و نتایج آن انواع آسیب های اجتماعی از قبیل وابستگی دارویی، اعتیاد، انحرافات جنسی، فشار مالی، خودکشی، مهاجرت، بی خانمانی، بیکاری، مدگرایی، پرخاشگری، خانه گریزی، فقر، شیطان پرستی و سایر آسیب های اجتماعی است.

جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه و گذار از مرحله سنتی به مدرنیسم از این قاعده مستثنی نبوده و در نتیجه این تغییرات شتاب آلوده، دستخوش مسائل و تهدیدات اجتماعی متنوعی شده و متأسفانه، راهبردها و تاکتیک های اتخاذ شده برای کنترل و مهار این آسیب ها به گونه ای ناموفق عمل نموده و هر روز شاهد گسترش و تبدیل آنها حتی بصورت فعالیت های زیرزمینی هستیم.

از طرف دیگر، ظرفیت سازی فرهنگی³، فرایندی دائمی برای کمک به مردم، سازمان ها و انجمن های فرهنگی برای ارتقاء و تطبیق با تغییرات مفید و مقابله کارآمد با تغییرات غیر سودمند محیط فرهنگی و اجتماعی بوده و بازخورد این فرایند در سطح ذینفعان که عموم اعضا یک فرهنگ هستند، صورت می گیرد این مقاله ضمن تبیین مفاهیم مدرنیته و آسیب های اجتماعی، لزوم بکارگیری فرایند ظرفیت سازی فرهنگی جهت رویارویی با تغییرات شدید اجتماعی و فرهنگی را تفسیر می کند.

کلید واژه: مدرنیته، آسیب های اجتماعی، پیش محیطی، ظرفیت سازی، ظرفیت سازی فرهنگی

1 عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان و دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان
2 استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی دهقان

3- Cultural capacity building

مقدمه

آسیب های اجتماعی نگرشی برگرفته از تشابه بین پیکر انسان و کالبد جامعه بوده که به دنبال مطالعه و ریشه یابی ناهنجاریهای اجتماعی است. این مفهوم ، ماهیتی بین رشته ای داشته و برای اشراف بر آن، اجماع نظریه های متخصصین رشته های علوم اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، روانشناسی و ضروری است.[1]

مسائل مربوط به آسیب های اجتماعی از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان رشته های مختلف بوده و همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و افزایش دامنه نیازمندیها، محرومیت های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواستها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه دار فساد، عصبان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی، انحرافات جنسی و دیگر آسیبها شده است.

اگرچه اکثر مشکلات اجتماعی در طول نسلهای مختلف تکرار می شوند اما چنانچه مشاهده می شود برخی از این آسیب ها جهشی بوده و در نسل ویژه ای نفوذ بیشتری داشته و برخی نیز در نسل خاصی زاییده می شوند. (مصرف مواد شیمیایی اعتیادآور در نسل حاضر)

لذا پایش محیط اجتماعی و فرهنگی¹ از اقدامات ضروری مدیران عصر حاضر محسوب گردیده و باید به منظور شناخت فرصت ها و تهدیدات اجتماعی بصورت مستمر مورد استفاده برنامه ریزان قرار گیرد. در ایران قبل از انقلاب با ورود مدرنیسم² به کشور، تقابل بین سنت و مدرنیته شکل گرفته و موجب تغییرات زیادی در مدت زمانی کوتاه شد، ایجاد انقلاب اسلامی، تحمیل جنگ 8 ساله، برهم خوردن آهنگ رشد جمعیت، دگرگونی ترکیب جمعیتی و فاصله طبقاتی موجود در کشور سبب ایجاد شکاف هایی عمیق در میان مردم بود که همین امر، تلاش طبقات پایین تر جامعه را برای دستیابی به جایگاه طبقات بالاتر موجب شد. تهاجم فرهنگی و جنگ نرم سالهای اخیر نیز مزید علت شده و سبب شد تا دگرگونی های اجتماعی، پدید آمده و خود سرمنشأ بروز مسائل اجتماعی در میان مردم بویژه خانواده ها باشد. تحقیقات نشان می دهد که بیش از نیمی از مسائل آسیب های اجتماعی ایران زاییده تضاد میان مدرنیسم و سنت بوده و این تضاد علاوه بر تغییراتی که در سطح جامعه ایجاد کرده موجب تغییرات شدید رفتار جمعی و فردی در خانواده ها و تک تک افراد جامعه نیز شده است. [2]

به دنبال بهم ریختگی هنجاری³ دو مشکل اساسی در سطح خانواده ها ایجاد شده است:

1- به هم ریختگی نقش ها 2- نامشخص شدن حدود وظایف

رسوخ دگرگونی های اجتماعی به درون خانواده ها سبب رنگ باختن نقش های سنتی گشته و این به هم خوردگی نقش ها سبب به هم ریختگی وظایف افراد خانواده و در پی آن سبب به هم ریختگی تعاریف از حق و حقوق فردی می شود. با این تفسیر که هر یک از اعضا خانواده حقی برای خود طلب می کنند که دیگر اعضای خانواده نسبت به این تعاریف جدید معترضند و آنچه در این میان باقی می ماند خدشه دار شدن احترام متقابل اعضا خانواده، بروز حس حقارت و رنجش، اعتیاد، طلاق و است.

انسانهای قرن بیست و یکم در جامعه ای پر از تضاد زندگی می کنند و چنانچه این تضادها پایش و مدیریت نشوند، ابتدا در جامعه سپس در خانواده و پس از فیلتر شدن در شخصیت هر یک از افراد جامعه نفوذ کرده و شخصیت هایی پر از تضاد را می سازد آنچه برای حل این تعارضات لازم است ایجاد نگرش جدید نسبت به پیرامون و درک تغییرات است تا از روند سریع جریانهای نوظهور در سطح جامعه عقب نمانده و پس از آن کوشش شود در موارد فقدان یا ضعف

¹- Social and Cultural environment monitoring

²- Modernism

³- Disorganization Normative

سنن رایج در جامعه، با ایجاد و تعریف قوانین داخلی جدید در خانواده ها و آموزش های لازم در زمینه تقسیم وظایف و حفظ حقوق و احترام فردی اقدام شده و بدین ترتیب پایه های خانواده و جامعه مستحکم گردد. این فرایند همان فرایندی است که از آن به «ظرفیت سازی فرهنگی» یاد می شود. [3]

مدرنیته

درباره مفهوم مدرنیته و مدرنیسم به لحاظ معناشناسی، سبک شناسی و ریشه شناسی تفاسیر متعددی وجود دارد. تعارض بین باستان و مدرن ابتدا در عصر رنسانس مطرح شد لیکن به نظر میرسد که معنا و مفهوم مدرن از واژه مدرنیته و به معنای آگاهی از جهان و خود و برخاسته از زندگی در حال حاضر بوده و با واژه Fashion مرتبط است. [4] مفهوم مدرن نخستین بار در آثار ژاک روسو و بعد از وی در آثار بسیاری از نویسندگان و متفکران عصر روشنفکری و عصر رمانتیک آمده است. هگل نخستین فردی بود که تحلیل جامع و بی نظیری درباره شرایط انسان مدرن ارائه کرد. به اعتقاد وی، مدرنیته به مثابه قرار دادن خودآگاهانه شخص در تاریخ و تعیین آگاهانه هویت و جایگاه خود در تاریخ می تواند اشکال خوش بینانه یا بدبینانه به خود بگیرد. [5]

مدرنیسم بیش از همه، یک مکتب هنری و فکری پیشرو بوده که به تدریج، دنباله های آن به مسائل فلسفی و نوع نگرش انسان به زندگی و جامعه کشیده شده است. در این مکتب، بیش از همه به جدا شدن و فراغت از جهان بینی گذشته با کمک عقل ابزاری مستقل اشاره می شود که بر اساس امور نو، امروزی و کنونی، امور سنتی از جامعه کنار گذاشته می شود. [6]

شاخصه های اصلی مدرنیته

برای تبیین نظر مدرنیته و نقش آن در پیدایش آسیب های اجتماعی به دو ویژگی اساسی آن اشاره می شود:

1- مدرنیته و نیازهای مادی

منظور از انسان گرایی که غرب در راستای مدرنیسم به آن اشاره می کند، ایمان به انسان و خواسته های اوست و نه هیچ چیز دیگر، یعنی اثبات انسان و خواسته های او و نفی همه امور غیر از این، نفی هر چیزی که انسان بدان دست نمی یابد و نفی هر چیزی که علم و عقل او بدان نمی رسد.

وجود انسان بر اساس دیدگاه سنتی، ترکیبی از جسم و روح است اما در ادبیات مدرن نفس و روح یا وجود نداشته و یا به عنوان مفهومی فرعی مطرح می شود. این نگاه در آثار هنری نیز متجلی است. مثلاً بسیاری از نقاش های مدرن به انسان برهنه توجه می کنند. انسانی که تنها به جسم وی باید توجه نمود و به خواسته ها و نیازهای همین بدنی که مشاهده می شود باید نگرست در چنین نگرشی، اصل لذت جسمی حاکم است.

پل ادواردز¹ که فرهنگ مورد نظر وی مدت هاست جزو فرهنگ های کم نظیر غرب به شمار میرود این چنین اعتقاد دارد:

اومانیست ها، گرچه روح انسان را برای قدرتی که جهت آزاد بودن دارد تحسین می کنند، اما هیچ گاه جسم انسان و امور مربوط بدان را فراموش نمی کنند. تز اومانیسم این است که لذت²، تنها خوبی و خیر و یگانه غایت برای فعالیت های انسان است. [7]

نظریه روشن آقای ادواردز، حاکی از آن است که بنابر مکتب اومانیسم که شالوده و بنیان مدرنیته به شمار می رود نیاز مورد نظر انسان، چیزی بیش از لذت های مادی انسان نیست.

¹-Paul Edwards

²-Pleasure

این در حالی است که اساس لذت در مکتب اسلام و به تبع آن جمهوری اسلامی ایران، امری کاملاً فرعی و مقهور امور دیگر است. هیچگاه نباید امری برای آنکه تنها موجبات خوشی و لذت مردم را فراهم می کند به عنوان یک اصل در نظر گرفته شود و هر گاه امور مهمی چون حفظ ارزش ها، عزت، استقلال، جمعیت، غیرت دینی، آزادگی، بزرگی، ایثار و سایر شاخصه های فرهنگی ایرانی- اسلامی در تقابل با لذت طلبی قرار گیرد، این شاخصه ها حرف اول را میزنند.

2- مدرنیته و خودکامگی

در جهان بینی مدرن، انسان با دارا بودن علم اکتسابی و بدون اتکاء به سایر نیروها میتواند دنیای خود را به جهانی ارزشمند تبدیل کند. گویی جهان بدون انسان، جهانی گزاف و بدون معناست و این انسان است که به زندگی معنا و انسجام می بخشد. این تلقی از نوعی خودکامگی و خوداتکایی افراطی برخوردار بوده و اساس هستی شناسی مدرنیته را تشکیل میدهد. در چنین دیدگاهی، تمام جهان طبیعت باید تحت سیطره انسان قرار گیرد. وجود هر مفهوم دیگری خواه طبیعت، خواه متافیزیک و بسته به وجود انسان است. بر خلاف تصور قرون وسطایی، در دیدگاه مدرنیسم با توجه به اینکه انسان به دلیل گناه اولیه به زمین هبوط کرده و به همین دلیل آلوده و گناهکار شده، انسان مدرن بی گناه است. [8]

خوداتکایی مورد نظر مدرنیسم به این معنا است که هیچ نیرویی به جز خود انسان قادر به حل مشکلات خودش نیست. اوست که باید خود را نشان دهد و به خودش افتخار کند، حتی روح تمام دنیا در زیر پای او قرار دارد و او فرمانروای هستی است. در این راستا عقل گرایی و بسیاری از امور دیگر را می توان توجیه کرد اینکه انسان تنها به عقل خود اکتفا می کند و بر اموری مانند وحی و شریعت پایبند نیست، همگی از مسائلی است که در ذیل خوداتکایی و انسان محوری غرب تبیین می شود.

دیدگاه اسلام بر این است که توانایی انسان تنها در سایه توکل و خودسپاری به وجود لایزل ارزش و اهمیت می یابد.

«أَفَوْضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»¹

نه خوداتکایی افراطی می تواند سعادت انسان را تضمین کند و نه ذلت و خودکم بینی تفریطی که در سایه تلقی غلط از زهد، ارمان آور آن است. نیرویی که در کنار علم اکتسابی مطرح است، نیرویی قوی تر، ارزشمندتر و تواناتر از نیروهای به ظاهر قوی مادی است. توانایی حاصل از دارا بودن چنین نیرویی امری است که خداوند متعال به عنوان حقیقت برتر بر آن تأکید کرده و به قدرت و پیروزی آن قول داده است.

«ان نصر الله ينصرکم و يثبت اقدامکم»²

اگر خداوند را یاری کنید، خداوند شما را یاری کرده و قدمهایتان را استوار می گرداند.

آسیب های اجتماعی

با نگاهی فرهنگی و با این فرض که از یک طرف فرهنگ، مجموعه ای از فراورده های مشترک مادی و معنوی هر جامعه و از طرف دیگر، هنجارهای اجتماعی رفتارهای درونی شده مبتنی بر ارزش های فرهنگی و مورد پذیرش هر جامعه تلقی شود، می توان آسیب های اجتماعی را پیامدهای زیان بار رفتارهایی دانست که بر خلاف هنجارهای اجتماعی است. [9]

به عبارت دیگر رفتارهای انسان برگرفته از فرهنگ و باورهای فردی است. از این رو رفتار افراد موحد و با ایمان با افراد مادی متفاوت است به گونه ای که امنیت جانی، مالی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه ای که از ارزشهای الهی و دینی

1- سوره غافر آیه 44
2- سوره محمد، آیه 7

برخوردارند بالاتر است. آسیب های اجتماعی با بسیاری از امور دیگر مانند امور اقتصادی، رفتارهای مدیریتی و فرهنگ ارتباط دارد. همچنین توجه به آسیب های اجتماعی در جوامع دینی از چند زاویه قابل بررسی است:

- 1- از نظر انسانی، کمک به قشر آسیب پذیر جامعه یک گرایش فطری برای تمامی انسانها با هر دیدگاه دینی است.
- 2- از نظر اجتماعی، عدم اهتمام به آسیب های اجتماعی موجب افزایش جرم و جنایت شده و نهایتاً مخرب انضباط اجتماعی است.
- 3- از نظر فرهنگی، عدم توجه به آسیب های اجتماعی، تسلط فرهنگ بیگانه را به همراه داشته و به اعتقادات دینی و مذهبی جامعه صدمه می زند. بخصوص که بقاء آسیب های اجتماعی، بزرگ نمایی تبلیغات ضد اسلامی در کشورهای اسلامی را به همراه داشته و ناهماهنگی شناختی¹ نسبت به تهاجم فرهنگی دشمنان را تقویت می کند. برای تبیین آسیب های اجتماعی، چهار نظریه مهم مطرح شده است [10]:

1- نظریه فشار ساختار اجتماعی

این نظریه، رفتارهای انحرافی را نتیجه فشارهای اجتماع می داند. تعبیر ساده این نظریه در ضرب المثل « فقر باعث جرم می شود» نهفته است. مرتن² چهار نوع رفتار انحرافی در این فرایند را برشمرده: الف) نوع آوری (کوشش برای رسیدن به هدفهای مشروع از طریق ابزارهای غیر مشروع) ب) مراسم گرایی (کوشش برای رسیدن به هدفهای نامشروع از طریق ابزارهای مشروع) ج) کناره گیری (عدم پذیرش اهداف و ابزارهای مشروع) د) سرکشی (طغیان و سرکشی علیه جامعه و تلاش برای دگرگونی اهداف خود)

2- نظریه انتقال فرهنگی

نظریه فوق بر این نکته مهم اشاره دارد که رفتار انحرافی از طریق کنش متقابل با دیگران و معاشرت با دوستان ناباب آموخته می شود.

3- نظریه کنترل اجتماعی

نظریه فوق بر این پیش فرض استوار است که برای جلوگیری از تمایلات به جرم و بزهکاری باید تمام افراد جامعه اعم از کوچک و بزرگ کنترل شوند. طرفداران این نظریه معتقدند که زندگی روی هم رفته پر از وسوسه و فریب است.

4- نظریه برچسب زدن

این نظریه، انحراف را به عنوان فرایندی تبیین می کند که توسط آن برخی از مردم موفق می شوند بعضی دیگر را منحرف تعریف کنند. طرفداران این نظریه میگویند مجرم کسی است که برچسب خورده و جرم رفتاری است که دیگران به آن برچسب زده اند.

آسیب شناسی اجتماعی

آسیب شناسی اجتماعی را می توان مطالعه علل و انگیزه های ناهنجاریهایی نظیر فقر، اعتیاد، شیطان پرستی، سرقت، طلاق، انحرافات جنسی و ... همراه با شیوه های پیشگیری و درمان و تداوم آنها به انضمام مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامان اجتماعی دانست. اهداف و مقاصد این شاخه از آسیب شناسی شامل موارد زیر است: [11]

الف) مطالعه و شناخت آسیب های اجتماعی و علل و انگیزه های پیدایش آنها همچنین بررسی ویژگی های شخصیتی، جسمانی، روانی و فرهنگی کثر رفتاران و شیوه های جامعه پذیری آنان.

¹- Cognitive dissonance

²- Merten

ب) پیشگیری از وقوع انحرافات و جرایم در جامعه به منظور بهسازی محیط زندگی جمعی و خانوادگی برای رسیدن به سالم سازی محیط کودکان یعنی خانواده و سالم سازی محیط اجتماعی همگانی یعنی جامعه.

ج) درمان کژرفتاران اجتماعی با بکارگیری روش های علمی و استفاده از شیوه های مناسب برای قطع ریشه ها و انگیزه های کژرفتاریها.

د) تداوم درمان برای پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد انحرافات اجتماعی و بررسی شیوه های بازپذیری اجتماعی کژرفتاران.

آسیب شناسی اجتماعی مثل سایر حوزه های اجتماعی و فرهنگی، از شیوه عملی برای بررسی موضوعات مورد نظر خود استفاده می کند. به عبارت دیگر برای مطالعه و بررسی علل، زمینه ها و راه حل ها در زمینه کج روی ها و آسیب ها هم از لحاظ ذهنی به صورت شناخت مفاهیم خاص و هم به کمک ابزار و وسایل تحقیق عینی به صورت پژوهشهای علمی فرایند خود را سپری می کند. ارتباط کامل و نزدیک این حوزه با رشته علوم اجتماعی و جامعه شناسی فرهنگی کاملاً واضح و روشن است هرچند این حوزه با سایر علوم از قبیل روان شناسی، پزشکی، اقتصاد و حقوق نیز ارتباط نزدیکی دارد.

انواع آسیب های اجتماعی

مسأله مربوط به آسیب های اجتماعی از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است، همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندیها، محرومیتهای ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواستها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه دار فساد، عصیان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی، انحرافات جنسی و دیگر آسیب ها شده است، مهمترین و شایع ترین آسیب های اجتماعی عبارتند از:

انحرافات جنسی

گریزه جنسی هم می تواند منشأ بروز عالی ترین نمودارهای ذوقی و هنری باشد و هم منشأ تشکیل بنیاد یک خانواده و هم منشأ بسیاری از جرائم قرار گیرد. عوامل مختلف محیطی و خانوادگی و اجتماعی سرمنشأ بروز انواع انحرافات جنسی هستند. هرچند برخی از این نوع انحرافات مشکلاتی فردی هستند، ولی اکثر آنها به آن جهت که در ارتباط با فرد دیگر معنی پیدا میکنند عوارض اجتماعی را دربر خواهند داشت.

از سوی دیگر مبارزه با این دسته از آسیبها در برخی موارد نیازمند تغییرات اساسی اجتماعی است و لازم است تحولاتی کلی و برنامه ریزی های دقیقی جهت رفع آنها صورت گیرد و این تغییرات با ارائه آموزش های وسیع اجتماعی برای افراد و خانواده ها و رفع عوامل بنیادی امکانپذیر خواهد بود این دسته از انحرافات نیز اغلب با سایر آسیبها در ارتباط نزدیک هستند و گاهی حتی موجب بروز مشکلات جدی می شوند. مثل بیماری ایدز که با انحرافات جنسی ارتباط نزدیک دارد.

سرقت و دزدی

بطور کلی سرقت و دزدی هم از لحاظ عرفی و هم از لحاظ قانونی به عنوان یک آسیب جدی محسوب می شوند. هرچند عوامل متعددی در بروز این مشکل شناخته شده اند، مثل فقر و بیکاری، اعتیاد و شیوه های تربیتی، اما باید توجه داشت مبانی شخصیت اهمیت ویژه در ارتکاب دزدی دارند. این افراد معمولاً از لحاظ رشد اخلاقی در سطح خیلی پایین و ضعیف هستند و بطور کلی ثبات و استواری و قدرت تحلیل و تفکر درباره پیامدهای رفتار خود را به قدر کافی ندارند. در مباحث مربوط به علل دزدی به علل تربیتی تأکید فراوان می شود. الگوهای رفتاری خود والدین،

واکنشهای آنها درباره دزدیهای کوچک دوران کودکی، مسأله پول توجیهی و کمک به شناخت مسأله مالکیت در دوره کودکی ارتباط نزدیک با رفتارهای دزدی بزرگسالی و نوجوانی دارند.

خودکشی

خودکشی هرچند در وهله اول یک مشکل فردی به شمار می رود ولی از آنجایی که فرد در اجتماع زندگی می کند و تأثیرات متقابلی همواره بین آنها برقرار است، به عنوان یک معضل اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد، آمار خودکشی معمولاً با سایر جرایم و آسیبها ارتباط پیدا می کند، بطوری که در میان گروههای مبتلا به اعتیاد، خودکشی بیشتر دیده می شود. همچنین در آسیبهای مربوط به انحرافات جنسی بویژه در میان قربانیان این انحراف، خودکشی پدیده شایعی است. در میان بیماران روانی بویژه افسردگیهای شدید نیز اغلب خودکشی مسأله قابل توجهی است. به هر حال خودکشی پیوندهایی با متغیرهای اجتماعی دارد بطوری که علاوه بر تأثیری که از شرایط اجتماعی می پذیرد، خود اجتماع را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. ارائه راهکارهای مناسب در بررسی مشکلات گروههای در معرض خطر مثل معتادین و خانواده های آن، بیماران روانی و خانواده های آنها، خانواده های نابسامان و آموزشهای فردی در مواجهه با تغییرات اساسی روشهایی سودمند خواهد بود، در این راستا توجه به گروههای سنی مثل نوجوانان و جوانان اهمیت زیادی دارد.

مهاجرت

مهاجرت علاوه بر دارا بودن مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، مستلزم تغییراتی خاص است که مطابقت و سازگاری با آنها اغلب مشکلاتی را برای فرد و جامعه ایجاد می کند. به عبارتی علاوه بر اینکه مهاجرت در برنامه ریزیهای کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مشکلاتی را ایجاد می کند، مثل مهاجرت روستاییان به شهرها (که خالی شدن روستاها از سکنه، کاهش کشاورزی، افزایش مشاغل کاذب و ... را به دنبال دارد) موجب می شود، تا فرد برای سازگاری با تغییرات حاصله فشار زیادی را متحمل شود. شوک فرهنگی یکی از عوارض حاصل از مهاجرت است که با اضطراب و افسردگی، احساس جدا شدن و مسخ واقعیت و مسخ شخصیت همراه است.

تحقیقات نشان می دهد شیوع مشکلات روحی و روانی بین مهاجرین بخصوص در بین مهاجرینی که شرایط مقصد بسیار متفاوت از شرایط مبدأ یا محل سکونت قبلی آنها بوده است شیوع بیشتری دارد. رایج ترین این اختلالات، سوءظن است که به احتمال قوی به دلیل تفاوتهای آنان از نظر زبان، عادات و آداب و رسوم، چهره، نوع لباس و غیره ایجاد می شود.

بی خانمانی

منابع فزاینده ای وجود مسائل ویژه ای را در افراد بی خانمان تأیید می کنند. چنین کسانی ممکن است در خیابانها سرگردان باشند یا به علل برخی بزهکاریهای دیگر که معمولاً توأم با بی خانمانی آنهاست مثل دزدی، اعتیاد و ... در زندانها با کانونهای اصلاح و تربیت به سر برند. در بین افراد بی خانمان دسته های مختلفی از افراد دیده می شود، یک دسته شامل بیماران روانی شدید هستند که اغلب یا مدتهاست از خانواده خود دورند یا بطور موقتی از خانه خارج شده اند. معتادین گروه دیگری از این افراد را شامل می شوند که معمولاً مراحل عمیق اعتیاد خود را می گذرانند. کودکان خیابانی و دختران و زنانی که با بی خانمانی به انحرافات جنسی نیز مبتلا هستند دو دسته دیگر را در بین افراد بی خانمان تشکیل می دهند. بسته به مکان جغرافیایی، محله فقرنشین شهر، پارک شهر، حومه شهر و نواحی

روستایی خصوصیات این جمعیت فرق میکند. برخی در محدوده جغرافیایی نسبتاً ثابتی می مانند در حالیکه عده ای از یک قسمت کشور به بخشهای دیگر یا از منطقه شهر به مناطق دیگر مسافرت می کنند.

فقر

فقر در واقع مادر تمام آسیبهای اجتماعی است. فقر با بسیاری مسائل زیر پا از جمله ضعف تندرستی و افزایش مرگ و میر، بیماری روانی، شکست تحصیلی، جرم و مصرف دارو رابطه دارد، هرچند خود فقر بطور ذاتی یک مشکل و آسیب است. اما این لزوماً به این معناست که تمام افرادی که زیر خط فقر زندگی می کنند افرادی نابسامان و مشکل ساز برای اجتماع هستند. مشکلات اقتصادی، عدم تأمین نیازهای جسمی و روانی فقرا، اغلب زمینه ای برای بروز و ظهور مشکلات اجتماعی دیگری است.

بیکاری

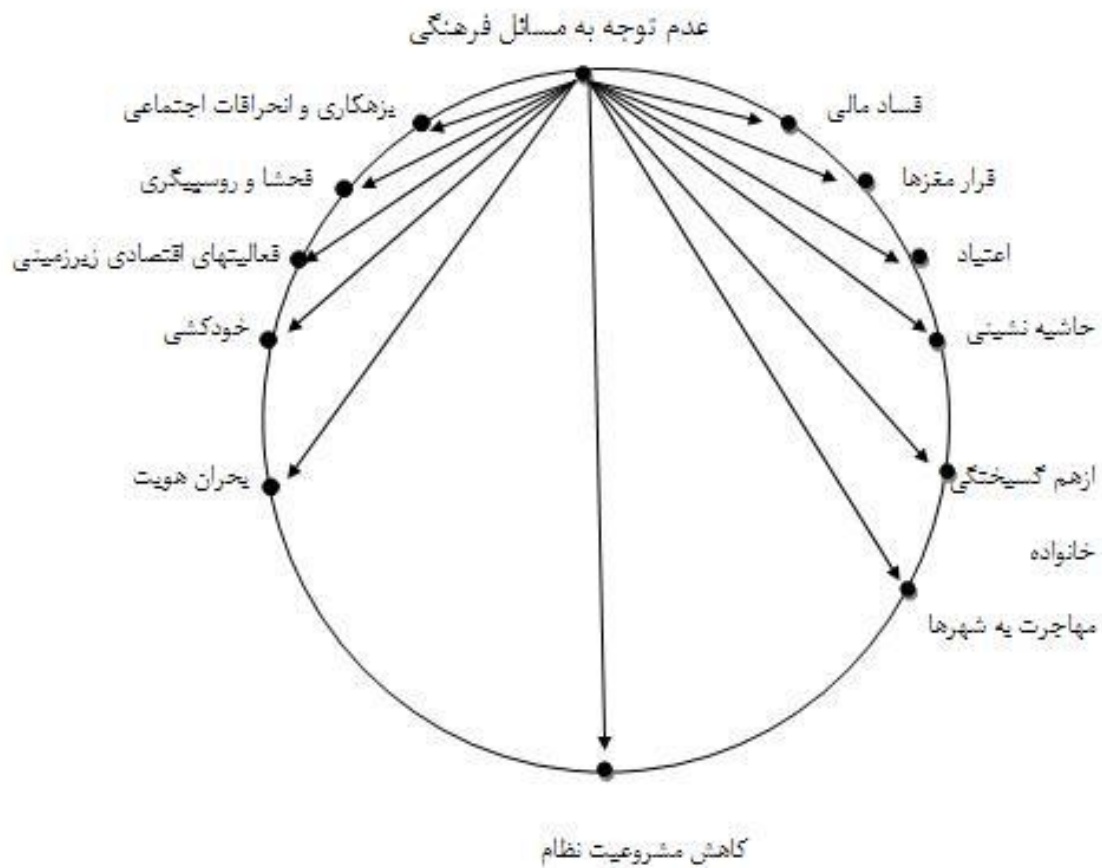
بیکاری معضل اجتماعی دیگری است که هم آسیبهای جدی فردی و هم آسیبهای قابل ملاحظه اجتماعی را در دامن دارد. بیکاری بویژه در نسل پرنرژی و جوان که انرژی و قدرت و نیروهای آنها را کد و بی مصرف باقی می ماند نمود بیشتری پیدا کرده و زمینه را برای انواع انحرافات اجتماعی فراهم می سازد. وجود فرصتهای همیشه خالی، عدم تحمل بیکاری، فقدان قدرت تأمین نیازها به دلیل نداشتن درآمد، زمینه هایی آماده برای کاشت بذر جرم و انحرافات می باشند.

به اعتقاد برخی روان شناسان، افزایش آسیب های اجتماعی دیگر نظیر فساد و فحشاء، خانواده های نابسامان و از هم گسیخته، بزهکاری، جرم و جنایت، خشونت و نزاع های دسته جمعی، خودکشی اعتیاد، بحران سیاسی و کاهش مشروعیت نظام، مهاجرت روستا به شهر و گسترش پدیده حاشیه نشینی، فرار مغزها، بحران هویت، تضاد خرده فرهنگ های غیر رسمی با فرهنگ رسمی، فعالیت های اقتصادی زیرزمینی، رشوه خواری، فساد مالی و از هم گسیختگی اجتماعی از جمله پیامدهای خطرناک، عدم توجه به مسائل فرهنگی در جامعه است [12].

بر اساس چنین دیدگاهی برای شکل گیری رفتار فرایند زیر سپری می شود.

رفتار → شخصیت → جامعه پذیری → فرهنگ → زیستبوم

بنابراین عدم توجه به مسائل فرهنگی بستر مناسبی را برای شکل گیری آسیب های اجتماعی به عنوان رفتارهای ناهنجار فراهم می کند، شکل زیر این رابطه را نشان می دهد.



ظرفیت سازی و ظرفیت سازی فرهنگی

ظرفیت سازی در جامعه با ادبیات توسعه معنا می شود [13] ظرفیت سازی فرایند آماده سازی جامعه برای رویارویی با تغییرات سریع محیطی است. به گونه ای که مهارت ها، قابلیت ها و توانایی های اصلی افراد، خانواده ها و گروه های جامعه را توسعه می دهد.

ظرفیت سازی فرهنگی به معنای بکارگیری فرایند ظرفیت سازی برای بخش فرهنگ و مجموعه سازمانهای فرهنگی کشور است. با وجود تغییرات شتابان در محیط فرهنگی، پیروزی های گذشته برباد رفته و با پیدایش یک دگرگونی پیش بینی نشده همه چیز با شتاب نابود می گردد¹ اینگونه لحظه ها را نقطه چرخش استراتژیک (S.R.P)² نامیده است.

1_ Gerow

2_ Strategic Rotation Point

ظرفیت سازی فرهنگی، طیف وسیعی از حمایت ها و فنونی است که هدف آن توانمند سازی افراد و اجتماع برای مشارکت فعال و بهره وری بهینه برنامه های فرهنگی بوده و این نوع مشارکت بطور ویژه ای احتمال بروز رفتارهای ناهنجار (آسیب های اجتماعی) در افراد و جامعه را کاهش میدهد. [14]

ویلیامسون و همکارانش، ظرفیت سازی فرهنگی را توسعه دانش، مهارت ها و استعداد های فردی و گروهی می دانند که منجر به توسعه و ارتقاء مدیریت فرهنگ و حفظ صیانت فرهنگ کشور می گردد. این فرایند فراتر از آموزش آکادمیک، حرفه ای و منابع انسانی بوده و به زیرساخت های فرهنگی جهت تقویت ارزشهای فرهنگی برای مقابله با آسیب های فرهنگی و اجتماعی می پردازد. [15].

هدف ظرفیت سازی فرهنگی در چند مورد خلاصه می شود:

ابتدا پاسخ گویی به ضعف های درونی جامعه و تقویت پتانسیل های موجود آنها، دوم کمک به سازمانهای فرهنگی به این منظور که به تغییرات سریع محیط فرهنگی و اجتماعی (مدرنیته) که امواج آن از طرف سایر فرهنگ ها ایجاد شده، واکنش مناسب نشان دهند سوم اجرای بهتر برنامه های فرهنگی در سطوح خرد و کلان، چهارم توانمند سازی افراد و کلیه سازمانهای دولتی و غیر دولتی برای مشارکت فعال در اجرای برنامه های فرهنگی و نهایتاً آماده سازی افراد برای انجام تغییرات در جهت ارتقاء مادی و معنوی آنان و دستیابی به نتایج ملموس، مدون و منطبق با برنامه زمان بندی معین. [16]

تمام فرهنگ ها طالب سهم بیشتری از فرصت های موجود و آینده هستند ولی چرا برخی موفقند و برخی ناموفق؟ پاسخ را باید در قابلیت هایی دانست که آنها را «ظرفیت های حیاتی فرهنگ»¹ می نامند. [17]

قوت و ضعف این ظرفیت ها، توانمندی فرهنگ را در برخورد با آسیب های اجتماعی و امکان بهره مندی از فرصت ها مشخص می سازد. این ظرفیت ها عبارتند از:

- 1- ظرفیت تفکر استراتژیک یا توان تشخیص موضوعات اساسی فرهنگ و اجتماع از غیر اساسی و درک بهنگام فرصت ها و خلق راه کارهای استفاده از این فرصت ها.
- 2- ظرفیت تغییر یا توان اجرای تغییرات مورد نظر در فرهنگ جامعه در زمان مناسب و با کیفیت قابل قبول
- 3- ظرفیت عملیاتی یا توان انجام فعالیت ها و عملیات جاری سازمانهای فرهنگی جهت مقابله با آسیب های فرهنگی و اجتماعی.

لازم به یادآوری است که ظرفیت عملیاتی یک فرهنگ برای جلب رضایت افراد جامعه در حال حاضر به کار می آید و دو ظرفیت دیگر برای تأمین رضایت نسل های آینده مورد نیازند.

فرهنگ هایی که این سه ظرفیت را در سطح بالایی دارند می توانند فرصت ها را به خوبی تشخیص داده و راهبردهای لازم برای استفاده از آنها را خلق کنند. [18]

ضرورت مخاطب شناسی فرهنگی برای مقابله با آسیب های اجتماعی و فرهنگی

ظرفیت سازان فرهنگی باید بدانند که مخاطبان آنان یعنی توده مردم جامعه در چه سطحی از فرهنگ یا فرهنگ دینی قرار دارند تا بتوانند برنامه های عملیاتی خود در راستای کاهش آسیب های اجتماعی گام بردارند. چنانچه ارکان چهارگانه فرهنگ شامل رفتارها، گرایش ها، باورها و اطلاعات مردم همچنین سطوح فرهنگ شامل پنج سطح نامطلوب، حداقل، حد لازم، حد مطلوب و حداکثر در نظر گرفته شود، ظرفیت سازان فرهنگی باید بدانند که هر یک از ارکان چهارگانه در چه سطحی قرار دارد؟

جدول زیر نمونه ای از جداول ارتباط سطوح و ارکان فرهنگ می باشد:

سطوح					زیرحوزه ها	ارکان یا حوزه ها
حداکثر	حدمطلوب	حدلازم	حداقل	حدنامطلوب		
					1. رعایت حقوق دیگران	رفتار دینی
					2. رعایت آداب اجتماعی	
					3. رعایت واجبات دینی	
					4. رعایت نظم و نظافت دینی	
					
					10.	
					1. علاقه به صالحان	گرایش دینی
					2. بیزاری از ظالمان	
					3. گرایش به شعائر دینی	
					4. مخالفت با فرهنگ غربی	
					
					10.	
					1. باور به خدا	باور دینی
					2. باور به معاد	
					3. باور به نبوت	
					4. باور به اهمیت ایمان و معنویت در زندگی	
					
					10.	
					1. اطلاع از تاریخ اسلام	اطلاعات دینی
					2. اطلاع از شخصیت ها و فرایند تمدن اسلامی	
					3. اطلاع از جریان های دینی و ضد دینی معاصر	
					4. اطلاع از احکام عملی	
					
					10.	

یکی از ثمرات مهم مخاطب شناسی فرهنگی، این است که زمینه را برای ارتقاء فرهنگی جهت مقابله با آسیب های اجتماعی آماده می کند همچنان که معاینه بیمار زمینه را برای مداوای او آماده می کند. در آسیب شناسی فعالیت های خرد و کلان فرهنگی و اجتماعی می توان به این موضوع اشاره کرد که عدم توفیق بسیاری از فعالیت های فرهنگی ناشی از عدم مخاطب شناسی است. چنانچه مخاطب شناسی فرهنگی به درستی انجام شود، ظرفیت سازان فرهنگی می توانند زمینه سازی لازم برای ارتقاء فرهنگی را داشته و به انواع مورد کاوی های فرهنگی، مبارزه با تهاجم فرهنگی، معرفی الگوهای فرهنگی مقابله با آسیب های اجتماعی و فرهنگی اهتمام ورزند. [19]

مثلاً اگر فرض کنیم در یکی از حوزه ها مانند رفتار دینی و موضوع رعایت حق الناس، میانگین شاخص رفتار جامعه، حداقل یعنی در سطح رعایت حقوق دیگران از ترس قانون باشد در این صورت تلاش ظرفیت سازان فرهنگی برای

زمینه سازی ارتقاء فرهنگ دینی مردم در این عرصه باید معطوف به یک پله و یک سطح بالاتر باشد. یعنی رعایت حقوق دیگران با انگیزه های درونی و اخلاقی باشد. اگرچه قانون و مجازاتی وجود نداشته باشد. در چنین جامعه ای هرچه در باب ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود گفته شود. به جز گروه اندکی از جامعه که تا سطح احسان رشد کرده اند دیگر گروه ها و طبقات که در سطح پایین هستند از آن زمینه سازی فرهنگی بهره ای نخواهند برد مانند کسی که از احکام ضروری نماز خواندن آگاه نبوده و آموزش شکایت نماز برای او بی فایده است. همچنین برای کسی که نماز نمیخواند، دعوت به نماز شب بیهوده خواهد بود.

با توجه به پذیرش سطوح پنج گانه می توان به چهارگام یا چهار مرحله ارتقاء فرهنگی جهت مقابله با آسیب های اجتماعی اندیشید که به ترتیب عبارتند از:

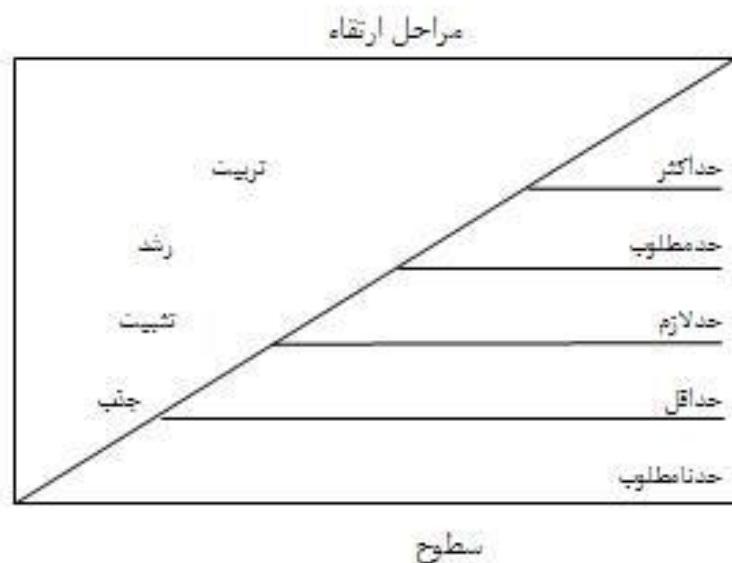
1- **جذب:** زمینه سازی برای ارتقاء مخاطب از سطح نامطلوب به سطح حداقل

2- **تثبیت:** زمینه سازی برای ارتقاء مخاطب از سطح حداقل به سطح حد لازم

3- **رشد:** زمینه سازی برای ارتقاء مخاطب از سطح لازم به سطح مطلوب

4- **تربیت:** زمینه سازی برای ارتقاء مخاطب از سطح مطلوب به سطح حداکثر

نکته حائز اهمیت این که زمینه سازی برای ارتقاء مخاطب از سطح نامطلوب به سطح حداقل (جذب) و از آن سطح به سطوح بالاتر (تثبیت، رشد و تربیت) در حوزه اطلاعات نسبتاً ساده بوده و احتمالاً با آموزش ها و اطلاع رسانی های متعارف، قابل تحقق خواهد بود اما این جذب و ارتقا در حوزه باور، حوزه گرایش و حوزه رفتار اجتماعی، پیچیدگی و دشواری هایی دارد که باید برای هر کدام بصورت جداگانه پژوهش و نظریه پردازی شود.



جمع بندی:

در این مقاله با مبنا قرار دادن انسان شناسی و جامعه شناسی اسلامی پیش فرض های زیر در نظر گرفته شد:
اولاً شخصیت هر انسانی چهار ساحت و عرصه دارد که عبارتند از بدن، ذهن، نفس و روح .
ثانیاً رفتار با بدن، معلومات با ذهن، گرایش و صفات با نفس و نهایتاً باورها با روح ارتباط دارند.
ثالثاً فرهنگ جامعه، معادل شخصیت فرد است و می توان عرصه ها و ابعاد مزبور را در مورد فرهنگ نیز تسری داد یعنی ارکان فرهنگ را شامل رفتارهای رایج در جامعه، گرایش ها، باورها و اطلاعات و معلومات دانست .
رابعاً برآیند وضعیت یک جامعه در مورد هر یک از ارکان مذکور می تواند در یک طیف لحاظ شود .
خامساً چنین طیفی هم در مورد کلان فرهنگ و هم در مورد خرده فرهنگهای جامعه شامل فرهنگ دینی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی صادق است.

به منظور کاهش و کنترل آسیب های اجتماعی موجود و برای جلوگیری از پیدایش آسیب های اجتماعی جدید ناشی از مدرنیته و تهاجم فرهنگی ابتدا باید سطوح هر یک از ارکان فرهنگی برای اقشار مختلف جامعه تعیین و سپس با بکارگیری فرایند ظرفیت سازی فرهنگی اقدامات لازم را انجام داد.

اهم فعالیت های فرهنگی عبارتند از:

1- ارتقاء میزان آگاهی و دانش نوجوانان و جوانان با هدف تغییر نگرش و تقویت رفتارهای محافظت کننده و کسب مهارت های زندگی برای عدم گرایش به آسیب های اجتماعی از طریق رسانه های دیداری- شنیداری- الکترونیکی و نوشتاری، مدارس، دانشگاه ها ، مساجد، ائمه جمعه و جماعات، مراکز و خانه های بهداشت در شهر و روستا بصورت آرام- مستمر- عمیق - علمی و واقع بینانه و به دور از ایجاد هر گونه ترس، وحشت و اغراق در جامعه.

2- ترویج فرهنگی سلامت و غنی سازی سودمند اوقات فراغت از طریق تقویت فعالیتهای جایگزین ورزشی- هنری با هدف، ایجاد تحرک، نشاط و شادمانی کوتاه مدت (نشاط حسی) و بلند مدت و پایدار به منظور تقویت احساس رضایتمندی از زندگی، خوش بینی، امید، ایجاد هویت، تسلط بر خود و

3- ارائه سبک و مدل زندگی برای زیستن در عصر پیچیده هزاره سوم و ارائه آموزش مهارتهای حل مسأله- ارتباطات فردی و اجتماعی- تصمیم گیری- روابط بین فردی- تفکر انتقادی- تفکر خلاق- مقابله با هیجانات- مقابله با استرس- همدلی و خودآگاهی از دوران کودکی تا دوران بزرگسالی بصورت مستمر با هدف خویش نگهبانی افراد در جامعه.

4- توسعه و تقویت مراکز مشاوره حضوری- تلفنی و گفتگو در تالارهای مجازی برای رفع مشکلات روحی نوجوانان و جوانان.

5- تقویت و توسعه مهارت معنویت و موضوعات دینی در نوجوانان و جوانان به عنوان مهمترین مؤلفه خودکنترلی.

6- مشارکت جوانان در امور اجتماعی با هدف تقویت عقلانیت این نسل برای مهار و کنترل پیامدهای مدرنیته حاصل از تهاجم فرهنگی.

7- انجام مطالعات و پژوهشهای کاربردی در مدارس، دانشگاه ها، محیط های صنعتی و پادگانها به منظور رصد مستمر تحولات اجتماعی- فرهنگی و آینده شناسی آسیب های اجتماعی بالاخص بررسی میزان بروز و شیوع ناهنجاری های دینی - علل و عوامل مؤثر در گرایش افراد به این نوع آسیب های اجتماعی و فرهنگی با رعایت متغیرهای سنی- جنسیت و و شناخت راهکارهای مناسب برای مهندسی فرهنگی و اجتماعی.

8- در کنار اقدامات فرهنگی و نرم افزاری، وضع و تصویب قوانین شفاف برای مقابله و مجازات مروجین و مبلغین ناهنجاری های اجتماعی داخلی، امری ضروری بوده تا با رویکرد متوازن اقدامات نرم افزاری و سخت افزاری، موجبات مصون سازی آحاد جامعه فراهم شود.
« ان شاءالله»

پی نوشت ها و فهرست منابع:

- 1-امیری، زهره و منیژه ایرانفر، *برنامه یکساله پیشنهادی پیشگیری از آسیب های اجتماعی*، برگرفته از سایت www.sbmu.ac.ir در تاریخ 1391/1/2
- 2- برگرفته از <http://asibma.clogfa> در تاریخ 91/1/2
- 3- رشیدپور، علی و سعید آقاسی، *ظرفیت سازی فرهنگی عامل کلیدی در راستای توسعه فرهنگی*، فصلنامه علوم سیاسی، شهرضا، 1391.
- 4- بشیریه، حسین، *عقل در سیاست*، تهران، انتشارات نگاه معاصر، 1383، ص 72.
- 5- نوذری، حسینعلی، *مدرنیته و مدرنیسم*، تهران، نقش جهان، 1379، ص 15.
- 6- Paul, Edwards, *The encyclopedia of philosophy*, v4, p78.
- 7- همان، ص 109.
- 8- مالکوم واترز، *جامعه سنتی و جامعه مدرن*، ترجمه منصور انصاری، تهران، نقش جهان، 1381، ص 22.
- 9- تری یاندیس، هری، *فرهنگ و رفتار اجتماعی*، ترجمه نصرت فتی، تهران، نشر جامعه شناسان، 1388، ص 219.
- 10- ستوده، هدایت اله و سیف اله بهاری، *آسیب شناسی خانواده*، تهران، انتشارات شیکو، 1389، ص 92.
- 11- رابرت کی مرتون، *مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه شناختی*، ترجمه نوین کولایی، تهران، امیرکبیر، 1386، صص 151-152.
- 12- تری یاندیس، هری، *فرهنگ و رفتارهای اجتماعی*، ترجمه نصرت فتی، تهران، نشر جامعه شناسان، 1388، صص 315-316 و 57-58.
- 13- ایناری، حسین، *ظرفیت سازی و جامعه مدنی فرایندی فراتر از مرزهای آموزش*، نشریه حیات نو اقتصادی، شماره 57 مهر 1384، ص 52.
- 14- www.Pendle.gov.uk/hosing-market-renemal.
- 15- williamson, I.P. Rajabifard, A. and Enemark, s. *Developing Spatial Data Infrastructures, From concept to Reality*, Taylor and Francis, London 2003.
- 16- نمازی، باقر، *بالا بودن کارایی سازمان های غیر دولتی*، سایت نما متن، www.nama.matn.ir.
- 17- کیانی، غلامرضا، *در جست و جوی آشیانه عقاب، مدلی برای شناخت موقعیت سازمان*، نشریه گزیده مدیریت، شماره 47، تیر 1386، صص 3-15.
- 18- همان
- 19- خندان، علی اصغر و مسلم امیری طیبی، *وظایف اصلی دولت دینی در عرصه فرهنگ*، دو فصلنامه معرفت سیاسی، شماره 2، زمستان 88، ص 52.